

که امامت و وصایت بعد از حسین بن علی بن ابی طالب است
 بر خود چنانکه نزدیک بود که از جای خود بیفتد و بر زبان
 عربی فصیح گفت که ای محمد مستم دار که امامت و وصایت بعد از
 حسین بن علی بن ابی طالب است **و از اینجمله است** که در
 طواف دست زنی و مردی بر حرمه لاسوه و چسبید هر چند
 کرده از اینجا باز نترسد و گفتند دستهای ایشان را می باید بر
 ناکاه در آن میان علی بن ابی طالب رضی الله عنه بخارسد و از
 دیدنش آید و دست مبارک بر ایشان مالید دستهای ایشان
 گشاده شد و فرستاد **از اینجمله است** که عبد الملک بن مروان
 بجای خود نوشت که از فضل نبی عبد المطلب اجتناب نمای که ال
 ابوسفیان در آن مجاله نمودند بدت ملک ایشان زد و دست
 و آن نوشته را بر همان مجلس بر بنام علی بن ابی طالب
 عنه از آن آگاه شد بعد الملک نوشت که در فلان روز در فلان
 ساعت بجای مکتوبی چنین چنین نوشتی رسول صلی الله علیه و سلم
 مرا خبر داد که آن پستیده خداوندی اقامه و ملک ایشان داد

و مقداری از زمانی بر آن افزود و آن نوشته را بفعل می داد
 و بر راحله خود سوار کرد و بوی فرستاد چون عبد الملک تاریخ
 آنرا موافق کتابت خود یافت و دانست که آن حق است بسیار
 شادمان شد و آن راحله را آن قدر در محک طاقت داشت بار
 کرد و بوی فرستاد **و از اینجمله است** که منتهال بن عسمره گوید
 که بحسب رفته بودم بر علی بن ابی طالب رضی الله عنه در آن زمان
 پرسید که حال خرمیتم بن کاهل لاساری چیست گفت می را در کوفه
 زنده که ششم دست بد عابرا آورد و گفت اللهم اذقته خراجه لعلکم
 اذقته خراجه چون بکوفه باز گشتم مختار بن ابی عبید خرورج کرده بود
 و با وی سابقه دوستی داشتم سوار شدم تا با وی ملاقات کنم
 چون بوی رسیدم سوار می شد با وی همراه شدم بموضع رسیدم
 و با استاد و اشطار کسی می برد ناکاه خرمیه را حاضر کردند مختار گفت
 اللهم اذقته خراجه ای تعالی مرا بر تو دست داد و جلد در اطلب کرد
 بفرمود تا دستهای او را بر سر من و پایهای او بر سر بعد از آن گفت
 اشش بسیار بدست و ارمی بسیار و زنده خرمیه را در میان آن کرده

و مقداری از زمان